

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۵

صفحات: ۶۵-۷۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۲/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۳

بررسی سطح آگاهی زنان نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی خود

سهیلا ناصری *

عشرت خوشبخت **

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سطح آگاهی زنان معلمان ایلامی نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی خود بود. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی دارای قابلیت اعتماد و اعتبار بود. جامعه‌ی آماری تمامی زنان معلم مشغول به تدریس در تمامی مقاطع سه گانه (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) بودند که تعداد آنها ۸۷۵ نفر است که از این تعداد ۲۶۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. شیوه‌ی نمونه‌گیری ابتدا برای تعیین مدارس بصورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود و سپس برای انتخاب افراد از نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند گانه نشان داد که بین پایگاه اجتماعی، اقتصادی، میزان سرمایه اجتماعی، میزان مطالعه کتابهای مربوط و تعهد و التزام مدنی با سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد، همچنین تحلیل رگرسیون چند گانه نشان داد که از بین متغیرهای پیش بین، متغیر تعهد و التزام مدنی معلمان و پایگاه اقتصادی و اجتماعی به ترتیب پیش بینی کننده مناسبی برای متغیر سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی می‌باشند.

کلید واژگان: آگاهی، حقوق و تکالیف، شهروندی.

*استادیار، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسول، naseri.sohila@yahoo.com).

**دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (e.khoshbakht71@yahoo.com).

مقدمه

در جهان معاصر شهروندی^۱ از جذابیت زیادی برخوردار است و اکثر نوشته‌ها در حوزه‌ی مسائل اجتماعی بر ایده‌ی شهروندی تأکید زیادی دارند، مسائل و موضوعاتی مثل فقر، دموکراسی، مشارکت زنان، توسعه، اقلیت و حتی محیط زیست از منظر شهروندی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. با توسعه‌ی رفاه اجتماعی^۲ و مسائل پیرامون آن در دهه پایانی قرن بیستم و سالهای آغازین قرن بیست و یکم، شهروندی و مشارکت که از عوامل شتاب بخش و انگیزشی بحث رفاه اجتماعی هستند مورد توجه واقع شدند و جایگاه خاصی به خود اختصاص دادند. امروزه در تمام جوامع و نظام‌های سیاسی سخن از شهروندی، حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و مشارکت شهروندان است. در حقیقت ارزش‌هایی چون برابری و عدم تبعیض، حقوق سیاسی-اجتماعی، تکالیف مدنی و مشارکت در امور اجتماعی، ارزش‌هایی هستند که همیشه در معرض آسیب دیدن و فراموشی قرار می‌گیرند و به محیطی مستعد برای بالیدن نیازمندند. به عبارت دیگر نوعی از شهروندی که مضمون انسانیت و اخلاق باشد، همچون هر امر اخلاقی و انسانی دیگر برای ایجاد و ابقاء نیازمند تلاشی آگاهانه است (عربستانی و حاجیانی، ۱۳۸۴).

در واقع اعضای یک جامعه با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود و نهادهای موجود در جامعه بویژه دولت، در قالب هیئت‌های شهروندی و نظایر آن در عرصه‌های مختلف جامعه مشارکت می‌نمایند و بدینسان با رعایت الزامات شهروندی زمینه برای اعمال نظارت و یا جامعه‌پذیری فراهم می‌شود و لازمه‌ی چنین جامعه‌پذیری آگاهی نسبت به حقوق شهروندی می‌باشد. از آنجائیکه در جوامع معاصر، هدف تمام فعالیت‌ها و کنش‌های انسانی در جهت انباشت و انحصار انواع مختلف سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است، دسترسی به این سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی برای تمام افراد جامعه یکسان نیست، عوامل اجتماعی همچون سطح درآمد، تحصیلات والدین، برخوردار بودن از امکانات رفاهی، دسترسی به منابع اجتماعی، اقتصادی، در دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی افراد می‌تواند مرتبط باشد. شاید بتوان ادعا کرد که برخوردار بودن از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در میزان آگاهی فرد از حقوق خود در جامعه و مسئولیت‌هایش در قبال جامعه مؤثر باشد. امروزه نقش آموزش و پرورش به منزله یک نهاد اجتماعی، در فرآیند ارتقاء فرهنگی و اجتماعی در تمامی جوامع برای همگان آشکار است و معلمان محصولات معنوی و فرهنگی این نهاد اجتماعی می‌باشند. از این رو می‌توان چنین فرض کرد که معلمان در زمینه آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به دیگر شهروندان از اولویت برخوردارند چرا که آنان می‌توانند زمینه‌ی ارتقای سطح آگاهی را در بین دانش آموزان بالا ببرند. شأن شهروندی و حقوق و تکالیف مربوط بدان از مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود. شهروندان از حیث حقوق و تکالیف با هم برابرند. در دموکراسی‌های باستانی یونان و روم شأن شهروندی به معنی داشتن حقوق

۱. citizenship

۲. social welfare

و تکالیف یکسان در نزد قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه بود. حق حکومت کردن و اطاعت از حکومت هر دو جزء شأن شهروندی بودند؛ با این حال در آتن شأن شهروندی تنها به مردهای آزاد، محدود می‌شد و بر دگانه‌ها شمار شهروندی بیرون بودند. در امپراطوری روم شأن شهروندی به عامه مردم و مردمان سرزمینهای مغلوب بسط داده می‌شد. با این حال در روم شأن شهروندی بیشتر به معنی منفی برخوردار از امنیت قانونی بود تا به معنی مثبت شرکت فعال در حیات عمومی جامعه. بعدها مفهوم شهروندی در ایتالیای عصر رنسانس احیا شد. به نظر متفکران دوره رنسانس فرد به عنوان تنها شهروند جامعه آزاد و خود مختار تحقق می‌یابد. مفهوم شهروندی در انقلاب فرانسه به نهایت شکوفایی خود رسید و در اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروندی در سال ۱۷۸۹ بروز کامل یافت (بشیریه، ۱۳۸۲). اهداف این پژوهش در دو دسته اهداف کلی و اهداف اختصاصی گنجانده می‌شود. با توجه به ماهیت تحقیق، اهداف این پژوهش شامل موارد زیر است: بررسی سطح آگاهی زنان نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی. اهداف اختصاصی نیز که شامل الف) سنجش میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین معلمان مدارس دخترانه شهر ایلام. ب) سنجش رابطه بین وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین معلمان مدارس دخترانه. ج) سنجش رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین معلمان مدارس دخترانه.

پیشینه تحقیق

در زمینه حقوق شهروندی تحقیقات متعددی صورت گرفته است. آرایش (۱۳۸۹) یافته‌های قبلی نشان می‌دهد که عوامل پایگاه اجتماعی (درآمد، شغل، تحصیلات) مشارکت سیاسی، سن و وضع تأهل در میزان آگاهی به حقوق شهروندی مؤثر است. تحقیقات عبدی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که بین جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دینداری با آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد و بین سن و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود ندارد. فتحی و مختارپور (۱۳۹۰) نشان دادند که سن افراد با میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه دارند.

نتایج تحقیق اسکندری (۱۳۸۶) نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد و نیز بین تعهد شهروندی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد همچنین بین نگرش به مشارکت اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

یافته‌های پژوهش شاه رکنی (۱۳۸۱) گواه آنست که میزان شهروندی زنان، بطور متوسط پایین است. شیانی (۱۳۸۲) در پژوهشی در خصوص وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران نشان داد که شهروندی در ایران را از یک سو می‌توان به فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانست که بر توانمندی جامعه برای پاسخگویی به نیازها و خواست‌های اعضای خود

باز می‌گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت، مهارت‌های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب، عدم مشارکت و حضور در فعالیتهای داوطلبانه و نوع ارزشها و نگرشهای افراد که بر توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. و نتایج پژوهش احمدی (۱۳۸۳) نشان داد که میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی کم تعهدات شهروندی از آن کمتر می‌باشد: همچنین میزان درگیری و مشارکت مدنی شهروندان در سطح پائینی قرار دارد و می‌توان آنها را در قالب درگیری عادی برخورداردی و ارتباطی و درگیری اعتراضی طبقه بندی نمود. نتایج پژوهش حبشی (۱۳۹۰) حاکی از آن است که ۸۶٫۷٪ از افراد نمونه آگاهی شان از حقوق شهروندی و ۸۶٫۲٪ از افراد نمونه آگاهی شان از تکالیف شهروندی در سطح متوسط به بالا می‌باشد. ۷۹٫۸٪ از افراد نمونه نگرش جنسیتی شان نسبت به حقوق شهروندی و ۸۵٪ افراد نمونه نگرش جنسیتی شان نسبت به تکالیف شهروندی در سطح متوسط به بالا می‌باشد. متغیرهایی چون سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، شغل همسر یا پدر پاسخگویان، شغل خود و مذهب با نگرش آنان نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی رابطه معنادار دارند.

ژان ژاک روسو^۱ (۱۷۶۲) مفهوم دقیق شهروندی را شیوه‌ای ایده‌آلیستی در ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع خصوصی تعریف می‌کرد. شهروند واقعی کسی است که بتواند مصلحت عمومی را اراده کند، یعنی دارای "اراده عمومی" و "فضیلت مدنی" باشد. اما در قرن نوزدهم چنین رابطه‌ای میان مفهوم شهروندی و مصلحت عمومی از میان رفت و شهروندان به عنوان افرادی تلقی شدند که اساساً دارای اختلاف منابع و تعقیب خیر و صلاح خویشند. بنابراین شأن شهروندی در عصر مدرن لازمه تأمین رفاه فردی تلقی شد، نه مصلحت عمومی و اجتماعی (نقل از بشیریه، ۱۳۸۲). دارندروف^۲ (۱۹۹۴: ۱۸-۱۴) شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند، چراکه اگرچه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند. ترنر در تاکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است، پس در تعریف وی شهروندی عاملی فعال است. بنابراین شهروندی از پایین به بالا است و شهروندان با آگاهی از حقوق و وظایف خود در امور جامعه مشارکت می‌کنند (ترنر^۳، ۱۹۹۴). شهروندی عضوی از جامعه بزرگ تر است، و عضویت او به عنوان فردی ذی نفع و ذی علاقه در امور جامعه به رسمیت شناخته شده است، لذا او دارای صدایی به ارزش صدای دیگر اعضای جامعه است که به او اجازه می‌دهد که هم طراز با دیگر اعضاء از حقوقی برخوردار شود و متناسباً تعهداتی را به عهده بگیرد (عربستانی و حاجیان؛ ۱۳۸۴: ۷).

به طور کلی می‌توان آراء و رویه‌های عملی موجود در خصوص شهروندی را در سه طبقه

۱. Jean-Jacques Rousseau

۲. Dahrendrof

۳. Turner

عمده دسته بندی کرد: مدل‌های لیبرال فردگرا^۱، مدل‌های جمع‌گرا / مدنی - جمهوری خواه^۲، مدل‌های تکثرگرا^۳ (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). نقطه‌ی اتکای فلسفی - اخلاقی مدل‌های لیبرال فردگرا این است که انسان‌ها، کارگزاران اخلاقی مسئول و خودمختاری هستند که هدف شان تأمین زندگی خوب است و نظامی سیاسی، آزادی‌های فردی را که برای تحقق این زندگی لازم است باید تضمین کند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). این رویکرد شهروندی را موجودی منفعل و آزاد از مشارکت فعال در نظر می‌گیرد. به طوری که شهروندی بیشتر یک وضعیت حقوقی است و رابطه ای با عمل شهروند ندارد.

در مقابل، مدل جمهوری گرا، بر وجوه عمومی و مشارکتی شهروندی تأکید دارد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). از نظر میلر^۴ مدل جمهوری گرایانه، اگرچه اهمیت حقوق را انکار نمی‌کند، در عین حال وزن بیشتری به ایده‌ی شهروند فعال^۵ می‌دهد که از طریق گفتگوی سیاسی با دیگران در تکوین جهت‌گیری آینده اجتماع خود مشارکت می‌کند. در این مدل اگرچه شهروندی وضعیت حقوقی نیز هست اما بیش‌تر «نقشی» است که شهروند به عنوان عضو کامل اجتماع بازی می‌کند. این مشارکت با حضور فعالانه در مباحثات و تصمیم‌گیری در بستر یک سپهر عمومی قدرتمند رخ می‌دهد (نقل از مارشال^۶، ۱۹۹۴: ۵۴). با وجود این نقدی که هابرماس^۷ (۱۹۹۲) به این رویکرد دارد این است که مدل جمهوری گرا بر یک «منفعت عمومی واحد» مبتنی بر هویت توده‌ای عمومی و ارزش‌های مشترک اخلاقی تکیه دارد، و توافق سیاسی را برخاسته از توافق بر سر این هویت و ارزش‌ها می‌داند، در حالی که ممکن است هویت‌ها و ارزش‌های متکثری در شهرهای پیچیده‌ی امروزی وجود داشته باشد (پینتر^۸، ۲۰۰۸: ۵۴). همین مسأله منجر شده به شناسایی مدل دیگر از شهروندی که آن را مدل رادیکال تکثرگرا می‌نامد. این مدل نیز همچون مدل جمهوری گرا بر مشارکت در عرصه‌ی عمومی به عنوان بنیاد شهروندی تأکید می‌کند. انواعی از هویت‌های متکثر در شهرهای امروزی مشتمل است بر مسافران اتوبوس، رانندگان خودرو، جوانان، کودکان، دوچرخه و موتورسواران، گروه‌های قومی متنوع، گروه‌های شغلی متنوع، گروه‌های مذهبی متنوع، شاغلان، صاحبخانه‌ها، بی‌خانمان‌ها، مردان، زنان و... در این رویکرد، افراد افراد و گروه‌ها برای تحقق حقوق خود وارد کارزار سیاسی می‌شوند. مفهوم مشارکت در رویکرد رادیکال تکثرگرا بسط یافته و فعالیت‌های خودمختارانه‌ای که خود شهروندان متقبل می‌شوند را نیز شامل می‌شود. تئوریهای ارائه شده در باب شهروندی و مسائل پیرامون آن که در این پژوهش مطرح شده است، از

-
۱. liberal individualist models
 ۲. communitarian/civic-republican models
 ۳. radical pluralist models
 ۴. Miller
 ۵. active citizen
 ۶. Marshall
 ۷. Habermas
 ۸. Painter

دو مکتب اساسی فردگرایی - لیبرال و جمهوری خواهی - مدنی سرچشمه می گیرند. صاحب نظران در این حوزه یا از مکتب فردگرایی - لیبرال خط مشی گرفته اند و یا از مکتب جمهوری خواهی - مدنی از صاحب نظران مکتب فردگرایی لیبرال می توان مارشال اشاره کرد که شهروندی را موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع می داند و حقوق فرد را بر حقوق جمع اولویت می دهد. در حوزه ی نظریه های رفاه، می توان به جان راولز فیلسوف آمریکایی اشاره کرد، رائلز نیز در افکارش از مکتب فردگرایی - لیبرال پیروی می کند و شهروند را فردی صاحب حقوق می داند که نفع شخصی خود را از میان حداقل محدودیت ها دنبال می کند (هیسلر^۱، ۱۹۹۱).

در مکتب جمهوری خواهی مدنی می توان به ژان ژاک روسو و ماکیاولی^۲ اشاره کرد. روسو، متفکر سوئسی تحقق آزادی فرد را در قرارداد اجتماعی می داند و معتقد است انسان وقتی به عنوان شهروند قلمداد می شود که به قوانینی که خود ایجاد کرده است احترام قائل باشد و از آنها پیروی کند. از نظر طرفداران این مکتب (ماکیاولی، روسو، ارسطو^۳ و...) انسان زمانی شهروند واقعی است که تعهد به وظایف و مسئولیت ها داشته باشد و شهروندی را عمل^۴ و فعالیت^۵ می داند و معتقد است افراد بدون حمایت و پشتیبانی نمی توانند در عمل و وظایف درگیر شوند. بنابراین جمع بر فرد اولویت دارد. هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می گردند. در جامعه مدنی تصمیم گیری ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن ها و گروه های مدنی صورت می گیرد. کار این نهادها و گروه ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می داند و آن را به گونه های مختلف تحلیل کرده است. به زعم هابرماس حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته ی اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه پردازند و بر اساس احترام متقابل با یکدیگر متحد می شوند (هابرماس، ۱۹۹۴: ۳۵۰). مارشال (۱۹۹۲) در نظریه ی خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه ی اجتماعی را در جامعه ای با نظام سرمایه داری به عنوان نظامی پویا مطرح می سازد که در آن برخورد مداوم میان شهروندی و طبقات اجتماعی تعیین کننده ی زندگی اجتماعی و سیاسی است. بدین ترتیب که فرایند تضمین حقوق اجتماعی موجب فرسایش تفاوت های طبقاتی می شود و مساوات طلبی شهروندی را تقویت می کند (الیور و هایتر^۶، ۱۹۹۴).

۱. Heisler

۲. Machiavelli

۳. Aristotle

۴. practice

۵. activity

۶. Oliver & Heater

با توجه به مطالب ارائه شده، ریشه اساسی نظریات شهروندی مطرح شده در این پژوهش از این دو مکتب سرچشمه می‌گیرد و به نظر می‌رسد این دو مکتب در بسیاری از شرایط تحقق شهروندی از جمله مشارکت، حقوق، آزادی، عدالت و... نکات مشترکی دارند و تنها در برخی موارد با هم متفاوت هستند. با عنایت به چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان سرمایه اجتماعی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین میزان مطالعه کتابهای مربوط به حقوق زنان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تعهد و التزام مدنی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایش و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. جمعیت آماری در این تحقیق شامل کلیه معلمان زن مشغول به تدریس در تمامی مقاطع سه‌گانه (ابتدایی - راهنمایی - دبیرستان) شهر ایلام می‌باشد، که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در ۵۰ مدرسه به تدریس مشغول می‌باشند. بر اساس آمار اداره آموزش و پرورش شهر ایلام تعداد معلمان زن شاغل به تدریس در سه مقطع تحصیلی در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ حدود ۵۷۶ نفر است که از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران ۲۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. که برای دسترسی به اطلاعات دقیق و جلوگیری از خطای ناشی از پرسشنامه‌های تحقیق تعداد نمونه به ۲۷۰ نفر افزایش داده شد، که پس از بررسی پرسشنامه‌ها ۴ عدد از پرسشنامه‌ها قابل استفاده نبودند و کنار گذاشته شدند. همچنین شیوه‌ی نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده، بدین صورت که ابتدا کلیه مناطق شهر ایلام بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز طبقه‌بندی شدند و در ادامه از بین ۵۰ مدرسه دخترانه‌ی سطح شهر ایلام ۱۵ مدرسه از مناطق مختلف شهر ایلام به صورت تصادفی انتخاب کرده که سهم هر منطقه سه مدرسه در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان بوده، سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب از بین معلمان به صورت کاملاً تصادفی نمونه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که ملاک طبقه‌بندی پایه تدریس معلمان بوده است. بدین معنا که معلمان به تناسب پایه‌های تدریس در هر مقطع تحصیلی انتخاب شده‌اند.

ابزار سنجش

به منظور سنجش روایی پرسشهای پرسشنامه، از روش اعتبار سازه بهره گرفته شده است. داده‌های گردآوری شده در این پژوهش، در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفته است. در این تحقیق برای تعیین پایایی، پرسشنامه بین ۲۰ نفر پیش آزمون شد و بعد از استخراج داده‌های بین پیش آزمون (۲۰ پرسشنامه) و داده‌های تحقیق (۲۶۶ پرسشنامه) آلفای کرونباخ گرفته شد. برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی از سوالات از جمله (افراد طبقات پولدار حق دارند، از فرصت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار باشند. اصلاح جامعه فقط باید متکی به نظرات و اقدامات مسئولان باشد، مردم می‌توانند در چارچوب قانون از دولت انتقاد نمایند. هر فردی می‌تواند از حق تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها بهره‌مند شود، بیان عقیده نباید به گونه‌ای باشد که به ارکان نظام ضربه وارد نماید، امکان دسترسی به اطلاعات در زمینه‌های مختلف باید برای همه فراهم شود، برگزاری مراسم اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده مانعی ندارد، تمامی قومیت‌ها طبق قانون اساسی از امتیازات یکسانی برخوردار می‌باشند، افرادی که برای جامعه زیان آور هستند (مثل معتادین) باید مثل سایر شهروندان مورد حمایت اجتماعی و خدماتی قرار گیرند، دولت مجبور نیست برای افراد شرایط اشتغال مناسب را فراهم کند و هر کس نسبت به لیاقت و توانایی خود باید شغل مناسب خود را بیابد، همه افراد حق برخورداری از امکانات (آموزش، بهداشت، مسکن و شغل) را دارند) در قالب طیف لیکرت استفاده نموده ایم. که به کاملاً موافقم نمره ۱، موافقم نمره ۲، بی‌نظرم نمره ۳، مخالفم نمره ۴ و کاملاً مخالفم نمره ۵ داده ایم که از مجموع این نمرات نمره ی فرد از آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی بدست می‌آید.

برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر تعهد و التزام مدنی از سوالات از جمله (جدی گرفتن مالیات، پنهان کردن درآمد شخصی خود از دولت، رای دادن، آگاهی از مسائل جامعه، دفاع از وطن در هنگام جنگ) در قالب طیف لیکرت استفاده نموده ایم. که به کاملاً موافقم نمره ۱، موافقم نمره ۲، بی‌نظرم نمره ۳، مخالفم نمره ۴ و کاملاً مخالفم نمره ۵ داده ایم که از مجموع این نمرات نمره ی فرد از میزان تعهد و التزام مدنی بدست می‌آید.

برای سنجش مطالعه کتابهای مربوط به حقوق زنان از سوالات مطالعه متوسط سالیانه کتاب در زمینه حقوق زنان و در زمینه حقوق زنان چند کتاب را می‌شناسید؟ را استفاده نموده ایم.

برای سنجش سرمایه اجتماعی پاسخگویان از سوالات مربوط به اعتماد (خانواده، دوستان، همکاران، همسایه‌ها، امانات بانکی) و عضویت در انجمن‌های (هنری، مذهبی، صنفی، باشگاه، سیاسی، کانونهای علمی، و عضویت در سازمانهای غیر دولتی استفاده نموده ایم.

جدول شماره ۱: آلفای کروناخ نهایی مقیاس‌ها

| مقیاس | آلفای محاسبه شده داده‌های پیش‌آزمون | آلفای محاسبه شده داده‌های تحقیق |
|-----------------------------------|-------------------------------------|---------------------------------|
| آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی | ۰/۷۸ | ۰/۸۰ |
| تعهد و التزام مدنی | ۰/۶۸ | ۰/۷۵ |
| مطالعه کتابهای مربوط به حقوق زنان | ۰/۸۰ | ۰/۸۰ |
| سرمايه اجتماعي | ۰/۸۱ | ۰/۸۴ |
| آلفای کلی | ۰/۷۷ | ۰/۷۹ |

یافته‌های تحقیق

– یافته‌های توصیفی: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب متوسط درآمد ماهیانه خود نشان می‌دهد که ۳۳/۵ درصد از پاسخگویان بین ۵۵۱ تا ۶۵۰ هزار تومان درآمد دارند که دارای بیشترین فراوانی است. ۶/۴ درصد بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ هزار تومان، ۳۰/۱ درصد از پاسخگویان بین ۴۵۱ تا ۵۵۰ هزار تومان و ۳۰/۱ درصد بالای ۶۵۰ هزار تومان درآمد دارند که دارای کمترین فراوانی هستند و مد(نما) در دسته افرادی قرار دارد که بین ۵۵۱ تا ۶۵۰ هزار تومان درآمد دارند.

توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات خود نشان می‌دهد که ۶۲/۸ درصد از پاسخگویان میزان تحصیلاتشان لیسانس است که بالاترین فراوانی را دارا است. ۰/۴ درصد بی‌سواد، ۲/۶ درصد دیپلم، ۲۹/۳ درصد فوق دیپلم و ۴/۱ درصد فوق لیسانس هستند که دارای کمترین فراوانی است. مد(نما) در دسته افرادی قرار دارد که میزان تحصیلاتشان لیسانس است.

توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب سن نشان می‌دهد که ۳۸/۰ درصد از پاسخگویان بین ۴۰ تا ۴۴ سال سن دارند که دارای بیشترین فراوانی است. ۵/۳ درصد بین ۲۵ تا ۲۹ ساله، ۱۳/۵ درصد بین ۳۰ تا ۳۴ ساله، ۳۳/۵ درصد ۳۵ تا ۳۹ ساله و ۹/۰ درصد بالاتر از ۴۵ سال سن دارند و ۰/۸ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ نداده‌اند. مد(نما) در دسته افرادی قرار دارد که بین ۴۰ تا ۴۴ سال سن دارند.

توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۹۱/۴ درصد از پاسخگویان متأهل هستند که دارای بیشترین فراوانی است. ۷/۵ درصد از پاسخگویان مجرد و ۰/۴ درصد همسرشان فوت شده که دارای کمترین فراوانی هستند همچنین ۰/۸ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ نداده‌اند. مد(نما) در دسته افرادی قرار دارد که متأهل هستند.

توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد که ۷۲/۹ درصد از پاسخگویان رشته تحصیلیشان انسانی است که دارای بیشترین فراوانی است. ۷/۹ درصد تجربی، ۱۰/۲ درصد ریاضی و ۲/۶ درصد فنی هستند که دارای کمترین فراوانی است. ۶/۴ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ نداده‌اند. مد(نما) در دسته افرادی است که رشته تحصیلیشان انسانی است.

توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب مقطعی که در آن تدریس می‌کنند، نشان می‌دهد که ۳۸/۰ درصد از پاسخگویان در مقطع راهنمایی تدریس می‌کنند که بالاترین فراوانی را

داراست. ۲۴/۴ درصد در مقطع ابتدایی و ۳۷/۶ درصد در مقطع دبیرستان تدریس می کنند. مد(نما) در دسته افرادی است که در مقطع راهنمایی تدریس می کنند.

– یافته های مربوط به فرضیه ها:

آزمون فرضیه اول: بین وضعیت پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲. آزمون فرضیه رابطه میان وضعیت پایگاه اقتصادی و اجتماعی حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه

| متغیرها | تعداد پاسخگو | انحراف معیار | میانگین |
|------------------------------------|--------------|--------------|-------------|
| پایگاه اقتصادی و اجتماعی معلمان | ۲۶۶ | ۷/۷۸۶ | ۳۷/۶۵ |
| سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی | ۲۶۶ | ۴/۸۴۷ | ۲۳/۸۰ |
| | $R=۰/۳۲۵$ | | $Sig=۰/۰۰۰$ |

برای آزمون رابطه بین وضعیت پایگاه اقتصادی و اجتماعی معلمان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. علت استفاده از این آزمون به سطح سنجش متغیرها برمی گردد، چون سطح سنجش هر دو متغیر مستقل و وابسته فاصله ای است، لذا مناسبترین آزمون ضریب همبستگی پیرسون می باشد. قبل از آزمون احساس می شد که همراه با بالا رفتن وضعیت پایگاه اقتصادی و اجتماعی معلمان سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی نیز در بین پاسخگویان افزایش پیدا می کند، و داده های حاصل از تحقیق این فرضیه را تأیید می کند، چرا که سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($Sig=۰/۰۰۰$). بدین معنا که بین وضعیت پایگاه اقتصادی و اجتماعی معلمان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بدست آمده ($۰/۳۲۵$) حاکی از وجود همبستگی بالا بین دو متغیر است. آزمون فرضیه دوم: بین میزان سرمایه اجتماعی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳. آزمون فرضیه رابطه میان میزان سرمایه اجتماعی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه

| متغیرها | تعداد پاسخگو | انحراف معیار | میانگین |
|------------------------------------|--------------|--------------|-------------|
| میزان سرمایه اجتماعی معلمان | ۲۶۶ | ۵/۱۶۵ | ۲۹/۰۱ |
| سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی | ۲۶۶ | ۴/۸۴۷ | ۲۳/۸۰ |
| | $R=۰/۱۷۸$ | | $Sig=۰/۰۰۴$ |

برای آزمون رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی معلمان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. علت استفاده از این آزمون به سطح سنجش متغیرها برمی گردد، چون سطح سنجش هر دو متغیر مستقل و وابسته فاصله ای است، لذا مناسبترین آزمون ضریب همبستگی پیرسون می باشد. قبل از آزمون احساس می شد که همراه با بالا رفتن میزان سرمایه اجتماعی معلمان سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی نیز در بین پاسخگویان افزایش پیدا می کند، و داده‌های حاصل از تحقیق این فرضیه را تأیید می کند، چرا که سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($Sig=0/004$) بدین معنا که بین میزان سرمایه اجتماعی معلمان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۱۷۸) حاکی از وجود همبستگی نسبتاً ضعیفی بین دو متغیر است.

آزمون فرضیه سوم: بین میزان مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به حقوق زنان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴. آزمون فرضیه رابطه میزان مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط و سطح آگاهی از حقوق و

تکالیف شهروندی

| متغیرها | تعداد پاسخگو | انحراف معیار | میانگین |
|--|--------------|--------------|-------------|
| میزان مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به حقوق زنان | ۲۶۶ | ۱/۲۰۴ | ۱/۶۳ |
| سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی | ۲۶۶ | ۴/۸۴۷ | ۲۳/۸۰ |
| | | | $Sig=0/001$ |
| | | | $r=0/198$ |

برای آزمون رابطه بین میزان مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به حقوق زنان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. علت استفاده از این آزمون به سطح سنجش متغیرها برمی گردد، چون سطح سنجش هر دو متغیر مستقل و وابسته فاصله ای است، لذا مناسبترین آزمون ضریب همبستگی پیرسون می باشد. قبل از آزمون احساس می شد که همراه با بالا رفتن میزان مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به حقوق زنان سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی نیز در بین پاسخگویان افزایش پیدا می کند، و داده‌های حاصل از تحقیق این فرضیه را تأیید می کند، چرا که سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($Sig=0/000$). بدین معنا که بین میزان مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به حقوق زنان و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۱۹۸) حاکی از وجود همبستگی نسبتاً ضعیفی بین دو متغیر است.

آزمون فرضیه چهارم: بین تعهد و التزام مدنی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: آزمون فرضیه رابطه میان تعهد و التزام مدنی ایلام و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه

| متغیرها | تعداد پاسخگو | انحراف معیار | میانگین |
|------------------------------------|--------------|--------------|-------------|
| تعهد و التزام مدنی معلمان مدارس | ۲۶۶ | ۵/۰۹۷ | ۱۷/۷۴ |
| سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی | ۲۶۶ | ۴/۸۴۷ | ۲۳/۸۰ |
| | $r=۰/۴۵۶$ | | $Sig=۰/۰۰۰$ |

برای آزمون رابطه بین تعهد و التزام مدنی و سطح آگاهی آنان از حقوق و تکالیف شهروندی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. علت استفاده از این آزمون به سطح سنجش متغیرها برمی گردد، چون سطح سنجش هر دو متغیر مستقل و وابسته فاصله ای است، لذا مناسبترین آزمون ضریب همبستگی پیرسون می باشد. قبل از آزمون احساس می شد که همراه با بالا رفتن تعهد و التزام مدنی معلمان مدارس سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی نیز در بین پاسخگویان افزایش پیدا می کند، و داده های حاصل از تحقیق این فرضیه را تأیید می کند، چرا که سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($Sig=۰/۰۰۰$). بدین معنا که بین تعهد و التزام مدنی معلمان مدارس دخترانه شهر ایلام و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۴۵۶) حاکی از وجود همبستگی بالا بین دو متغیر است.

جدول شماره ۶: تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین متغیر وابسته (آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی)

| R | Rsquare | Adjusted R Square | Std. Error of the Estimate |
|-------|---------|-------------------|----------------------------|
| ۰/۵۴۷ | ۰/۲۹۹ | ۰/۲۸۶ | ۴/۰۹۶ |

داده های جدول نشان می دهد که ضریب همبستگی معادل ۰/۵۴۷ محاسبه شده است، که بیانگر این مطلب است که ۵ متغیر تعهد و التزام مدنی معلمان، میزان مطالعه ی کتاب های مربوط به حقوق زنان، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان سرمایه ی اجتماعی معلمان و نیز وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی معلمان میزان به طور همزمان تقریباً ۰/۵۵ با آگاهی از تکالیف شهروندی همبستگی دارند. در این بررسی (R معادل ۰/۲۹۹ محاسبه شده است، یعنی حدود ۳۰ درصد آگاهی از تکالیف شهروندی توسط متغیرهای پنج گانه مورد بررسی توضیح داده می شود، و ۷۰ درصد باقیمانده ناشی از عواملی خارج از مشاهدات مورد بررسی ما می باشند.

جدول شماره ۷: آنالیز واریانس

| df | Mean Square | F | .Sig |
|----|-------------|--------|-------|
| ۵ | ۳۷۲/۸۹۰ | ۲۲/۲۲۹ | ۰/۰۰۰ |

همچنین با توجه به سطح معناداری بدست آمده $\text{Sig}=0/000$ در جدول آنالیز واریانس می توان گفت که رابطه بین متغیرها در سطوح بالای آماری معنی دار می باشد.

جدول شماره ۸ : ضرایب تاثیر مدل تبیین کننده آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی

| متغیر | ضرایب غیر استاندارد | | | t | Sig |
|---|---------------------|------------|------|-------|------|
| | B | Std. Error | Beta | | |
| ثابت | ۷,۹۰۰ | ۲,۰۴۷۸ | | ۳,۱۸۸ | .۰۰۰ |
| وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی معلمان | .۱۴۸ | .۳۳ | .۲۳۹ | ۴,۴۲۴ | .۰۰۰ |
| میزان سرمایه اجتماعی معلمان | .۰۱۹ | .۰۵۳ | .۰۲۰ | .۳۶۰ | .۷۱۹ |
| میزان مطالعه کتابهای مربوط به حقوق زنان | .۶۲۷ | .۲۱۰ | .۱۵۶ | ۲,۹۸۲ | .۰۰۳ |
| میزان تعهد و التزام مدنی | .۳۹۱ | .۵۲ | .۴۱۱ | ۷,۵۲۸ | .۰۰۰ |

برای تشخیص اینکه سهم کدامیک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش بینی متغیر وابسته یعنی آگاهی از تکالیف شهروندی بیشتر است و سهم کدامیک کمتر، باید به جدول رگرسیونی مراجعه شود. در جدول معادله‌ی رگرسیونی اهمیت نسبی هر متغیر مستقل در توضیح تغییرات وابسته با مشاهده مقدار ضرایب یاوزنهای رگرسیونی به دست می آید. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول بالا نشان می دهد که متغیر تعهد و التزام مدنی معلمان با ضریب تأثیر رگرسیونی ($\text{Beta}=0/411$) قوی ترین پیش بینی کننده آگاهی از تکالیف شهروندی می باشد. رتبه دوم با ضریب تأثیر رگرسیونی ($\text{Beta}=0/239$) مربوط به متغیر وضعیت پایگاه اقتصادی و اجتماعی می باشد، که نسبت به سایر متغیرها قدرت تبیین بیشتری دارد. رتبه سوم با ضریب تأثیر رگرسیونی ($\text{Beta}=0/156$) مربوط به متغیر میزان مطالعه کتابهای مربوط به حقوق زنان می باشد. رتبه چهارم در بین پنج متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته با ضریب تأثیر رگرسیونی ($\text{Beta}=0/20$) مربوط به متغیر میزان سرمایه اجتماعی معلمان می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هر جامعه ای با توجه به زمینه های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندان آگاه دارد تا بتوانند در قالب حقوق و وظایف تعیین شده، در چارچوب فضای سیاسی - اجتماعی فعالیت کنند. دستیابی به چنین هدفی نیازمند تدابیر و زمینه های لازم برای آگاه سازی شهروندان است. پس آگاهی از حقوق و وظایف امری حیاتی به شمار می رود. مطالعات و اندیشه های مارشال (۱۹۹۴) حاکی از آن است که برای رسیدن به شهروندی کامل مجموعه ای عوامل اجتماعی لازم است، که در این راستا در پژوهش حاضر چهار متغیر سرمایه اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان مطالعه کتابهای مربوط به حقوق زنان، تعهد و التزام مدنی مورد بررسی قرار گرفت. همان گونه که در

یافته‌های استنباطی ملاحظه می‌شود ضرایب همبستگی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی، میزان مطالعه کتابهای مربوط و تعهد و التزام مدنی و سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی معلمان مدارس دخترانه معنی دار هستند بدین ترتیب تمام فرضیات تایید می‌گردد. در این راستا نتایج تحقیق حاضر با برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی همسو می‌باشد. متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی از جمله عواملی است که در تحقیق حاضر در رابطه با آگاهی از حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفت، همانطور که ملاحظه شد نتیجه بدست آمده حاکی از وجود رابطه بین دو متغیر است و از این لحاظ نتیجه حاصله در راستای نتایج پژوهش عبیدی (۱۳۸۰) و آرایش (۱۳۸۹) قرار می‌گیرد. از دیگر متغیرهای مورد بررسی سرمایه اجتماعی می‌باشد که رابطه اش با آگاهی از حقوق شهروندی اثبات گردید و این همان نتیجه ای است که احمدی (۱۳۸۳) نیز در تحقیق خود به این رابطه رسیده بود. برای تبیین نتایج این تحقیق دو مدل قابل کاربرد است که در بخش چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفت. مدل لیبرال فردگرا که انسان‌ها خودمختار می‌داند. این رویکرد شهروندی را موجودی منفعل و آزاد از مشارکت فعال می‌داند. اما در مقابل رویکرد جمهوری‌گرا وجود دارد که بیشتر بر وجوه عمومی و اجتماعی شهروندی تأکید دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات این تحقیق که نشان دهنده وجود رابطه بین متغیرهای فردی که در قالب مدل لیبرال فردگرا قرار می‌گیرند و متغیرهای جمعی که در قالب مدل جمهوری‌گرا قرار می‌گیرد، می‌توان گفت که برای بررسی آگاهی از حقوق شهروندی لازم است هم به جنبه‌های فردی و هم به جنبه‌های اجتماعی حقوق شهروندی توجه شود. با توجه به اینکه هدف عمده این پژوهش، مطالعه و بررسی سطح آگاهی زنان نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی خود می‌باشد، سعی می‌شود با توجه به نتایج توصیفی و تحلیلی بدست آمده از این موضوع به پیشنهادهایی در خصوص این موضوع پرداخته شود:

- فرهنگ‌سازی جهت بالا رفتن سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی از طریق رسانه‌های جمعی همچون مطبوعات، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، کتب درسی دوره‌های مختلف تحصیلی و... که خود به افزایش سواد رسانه‌ای افراد منجر می‌شود، با در نظر گرفتن پیچیدگی و چندبعدی بودن موضوع (سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی) لازم به نظر می‌رسد که تحقیقاتی صورت بگیرد که از روشهای مختلف بخصوص از روشهای کیفی مانند مشاهده و مصاحبه استفاده شود، تا به درک عمیق تری از موضوع دست یابیم، توصیه می‌شود به پژوهشگرانی که در این زمینه می‌خواهند دست به پژوهش بزنند به متغیرهای تأثیرگذار دیگر نیز بر سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی توجه شود و همچنین به اجرای آن در جامعه آماری دیگر پردازند.

منابع

- آرایش، منصور. (۱۳۸۹). میزان آگاهی شهروندی در بررسی عوامل مؤثر نسبت به اصول و مبانی هنجارهای شهروندی (نمونه‌ی موردی: شهر ایلام). مجله فرهنگی - پژوهشی فرهنگ ایلام.

پاییز و زمستان، شماره: ۲۸ و ۲۹.

- احمدی، فخری سادات. (۱۳۸۳). شهروندی و مشارکت مدنی، بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی بر فرایند تحقق حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه الزهرا.
- اسکندری، زهرا. (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی). تهران: نشر نگاه معاصر.
- سمانه، حبشی. (۱۳۹۰). بررسی نگرش زنان به حقوق و تکالیف شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، رشته مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
- شاه رکنی، نازنین. (۱۳۸۱). موانع گسترش شهروندی سیاسی زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتر، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- عبدی، ولی. (۱۳۸۰). تبیین جامعه شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- عربستانی، مهرداد. و حاجیان، بهنام (۱۳۸۴) مجله فرهنگ شهروندی، شماره ۱.
- فتحی، سروش.، مختاریپور، مهدی. (۱۳۹۰). توسعه شهری شهرنشینی و حقوق شهروندی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال سوم پاییز. شماره چهارم.
- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۰). بررسی مفهوم شهروندی در قانون شهرداری های ایران. تهران: نشر سازمان شهرداری های کشور.

- Dahrendrof, R (1994) Citizenship and Beyond: Beyond: The social Dynamics of an Idea, in B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Concept, London :Routledge
- Habermas, J(1992) Citizenship and Nation Identity :Some Reflection on the future of Europe ,in B.S.Turner and P.Hamilton ,and citizenship Critical concept ,London :Routledge
- Heisler, B.S. (1991) A Comparative Perspective on the Underclass: Questions of urban poverty, Race and Citizenship, in B.S. Turner & p Hamilton, ed, Citizenship: Critical concepts. London: Routledge.
- Marshall, T.H. (1994) Citizenship and social class, in B.S. Turner & p. Hamilton, Citizenship: Critical concepts. London: Routledge.
- Painter, J. (2008) European Citizenship and the Regions, European Urban and Regional Studies 15 (1): 5-19.
- Turner, B.S. (1994) Outline of a Theory of a Citizenship. , in B.S. Turner & p Hamilton, ed, Citizenship: Critical concepts. London: Routledge.
- Oliver. D. & Heater, D. (1994) The foundation of Citizenship. Harvester Wheatsheaf.

Studying the Level of Women Knowledge on Their Citizenship Duties And Rights

S. Naseri*
E. Khoshbakt**

Abstract

The main aim of this research was studying the level of awareness of female teachers in the city of Ilam in relation to their citizenship duties and rights. This study was a survey type and data gathering tools were questioners which had an acceptable validity and reliability. The population included all (875 individuals) three educational levels female teachers (elementary, middle and high), of which 266 subjects were selected randomly as sample by using cluster multi-phase and stratified sampling procedures. For data analysis Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis were used. The results showed that the civil commitment of teachers and socio-economic status respectively were significant predictors for awareness of the rights and duties of citizens.

Keywords: awareness, duties and rights, citizenship

*Assistance Professor, Department of Sociology, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author, email: naseri.sohila@yahoo.com)

**Ph.D. Student of Sociology, Department of Sociology, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan (e.khoshbakht71@yahoo.com)